



دوره ۵۰، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹
صفحات ۴۳۹ تا ۴۶۴ (مقاله پژوهشی)

✉

تعقیب مصرانه؛

مطالعه‌ای تطبیقی در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا

جمشید غلاملو*

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

محمد کرمی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۱۳ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۱۲/۴)

چکیده

تعقیب مصرانه گونه‌ای از مزاحمت و جرمی نسبتاً نوپدید است. گاه افراد با انگیزه‌های گوناگون خوب و بد، افرادی دیگر را پیوسته تعقیب کرده و می‌پایند و بدین طریق موجب اذیت و آزار می‌شوند. شاید تعقیب‌شونده، سرانجام ناگوارتری پیدا کرده و بزه‌دیده جرائم شدیدتری مانند قتل و تجاوز جنسی (تعقیب مصرانه مشدد) شود. تعقیب مصرانه در کشورهایی مانند ایالات متحده آمریکا، به‌طور مستقل جرم‌انگاری و واکنش‌ها و تدابیری ویژه، مانند دستورهای حفاظت و محدودیت، نیز اتخاذ شده است. در حقوق کیفری ایران، جرمی با این عنوان وجود ندارد، بلکه جلوه‌ها و مصادیقی از آن، از جمله ماده ۶۱۹ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، پیش‌بینی شده است که جز تعیین مجازات، تدبیر دیگری دربر ندارد. موضوع اصلی این مقاله تحلیل ماهیت و ارکان جرم تعقیب مصرانه و پاسخ‌دهی به آن در حقوق کیفری با روش تحلیلی-توصیفی و با رویکرد تطبیقی است. به نظر می‌رسد با توجه به تغییر سبک زندگی و الگوهای روابط اجتماعی، به‌ویژه با رواج شبکه‌های اجتماعی مجازی و پیام‌رسان‌ها، ارتکاب تعقیب مصرانه بسیار بیشتر و آسان‌تر از پیش شده است که تنها با جرم‌انگاری‌های عام و واکنش‌های عادی، نمی‌توان بازدارندگی و پاسخگویی مناسب و مؤثر را انتظار داشت. بسنده‌کردن حمایت کیفری از بزه‌دیدگان این رفتار به زنان و کودکان و نیز مقیدکردن آن به مکان‌های عمومی و عدم توجه به تعقیب مصرانه مجازی، فقدان تدابیر تأمینی و منوط‌کردن حمایت‌های قانونی به پس از اثبات جرم، از مهم‌ترین نقصان‌های قانونی موجود است که در مقایسه، کشورهای با قانون تعقیب مصرانه، وضعیت بهتری دارند.

واژگان کلیدی: تعقیب مصرانه، مزاحمت، آزار و اذیت، خشونت، جرم‌انگاری، اقدام تأمینی.

مقدمه

مزاحمت، اذیت و آزار و خشونت، با تغییر و تحولات اجتماعی، روزبه‌روز اشکالی نو به خود گرفته است. گسترش شهرنشینی، تغییر سبک زندگی، پیشرفت چشم‌گیر فناوری‌های ارتباطی و دگرگونی و افزایش روابط اجتماعی، موجب پیدایش یا دست‌کم افزایش قربانی‌شدن شهروندان به‌واسطه گونه‌ای از مزاحمت به نام «تعقیب مصرانه»^۱ شده است. اصرار و پافشاری در رفتاری نسبت به دیگری و پاییدن فرد بدون رضایت او، حتی اگر با انگیزه‌های نیک و محبت‌آمیز و دوستانه باشد، ناخوشایندی دربرداشته و فرد مدنظر را آزار می‌دهد. درواقع، وقتی تعقیب شدن و تحت‌نظر قرارگرفتن برای شخصی ناخوشایند باشد، به این معنا است که او به این امر نه‌تنها راضی نیست، بلکه موجب اذیت و آزار او است. تعقیب مصرانه همواره برای قربانیان خود آثار زیان‌بار روانی، اجتماعی، شغلی و خانوادگی به همراه دارد و گاه زندگی عادی آن‌ها را مختل و آزادی آن‌ها را محدود می‌کند. افزون بر این، معمولاً پیامد تعقیب مصرانه، خشونت‌دیدگی‌های دیگر تعقیب‌شوندگان است. برای نمونه، در مطالعه‌ای میدانی مشخص شد که تقریباً ۹۰ درصد از زنانی که در ایالات متحده آمریکا توسط شریک زندگی خود به قتل رسیدند، ابتدا قربانی تعقیب مصرانه بودند. (Sheridan et al., 2019: 172)

تعقیب مصرانه نوعی از مزاحمت است که به‌طور خاص با پاییدن و تحت‌نظر قراردادن دیگری رخ می‌دهد. از نظر پیشینه تقنینی در ایران، مشخص‌ترین مقرره‌ای که به این رفتار توجه کرده، بند ۱۷ ماده ۳ آیین‌نامه امور خلافی مصوب ۱۳۲۴ است که مقرر می‌داشت: «کسانی که دخترها، پسرها، زن‌ها را مصرأ تعقیب^۲ می‌نمایند، به حبس تکدیری از ۴ تا ۷ روز و از ۵۰ تا ۱۰۰ ریال غرامت محکوم می‌شوند.» در قوانین جزایی کنونی ایران، تعقیب مصرانه به‌طور مستقل، نه تعریف شده و نه به‌گونه‌ای مشخص و فراگیر، مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است. باین‌حال، برخی از مصادیق تعقیب مصرانه در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است که مهم‌ترین جرم موضوع ماده ۶۱۹، یعنی مزاحمت برای زنان و کودکان است.^۳ همچنین، جرم موضوع ماده ۶۴۱ قانون

1. Stalking

۲. بر همین اساس، یعنی پیشینه تقنینی، شاید از این جهت نیز معادل فارسی تعقیب مصرانه بر دیگر معادل‌ها برتری داشته باشد.

۳. گفتنی است که در سال‌های گذشته گام‌هایی برای برخی تغییرات قانونی برداشته شده است که از جمله مهم‌ترین آن، لایحه‌ای با عنوان «صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در برابر خشونت» است که از سوی قوه قضاییه، به دولت فرستاده شده که برخی از مصادیق تعقیب مصرانه را نیز دربرمی‌گیرد. برای نمونه، به موجب ماده ۵۰ این لایحه: «هرگاه در اماکن عمومی مردی عمداً بدن خود را به بدن زنی بزند یا به هر نحو یا وی تماس ایجاد کند، به شلاق درجه هشت محکوم می‌گردد». همچنین، فحاشی و به‌کاربردن الفاظ رکیکی که حد قذف ندارند، جرم‌انگاری شده است. در ماده‌ای دیگر نیز، ارسال پیام‌های مستهجن یا صرف ارسال

مجازات اسلامی که با عنوان مزاحمت تلفنی شناخته می‌شود، دیگر مصداق تعقیب مصرانه محسوب می‌شود.

اصولاً مهم‌ترین پیامد پیش‌بینی‌پذیرِ عدم جرم‌انگاری تعقیب مصرانه و نیز عدم پاسخ‌دهی افتراقی به آن، خشونت‌ورزی و خشونت‌دیدگی بیشتر خواهد بود. شناخت ماهیت این جرم و نیز آشنایی با تجربه کشورهای که توجه ویژه به آن داشته‌اند، چه از نظر جرم‌انگاری و چه از نظر پاسخ‌دهی، می‌تواند سودمند باشد. در این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی و ابزار کتابخانه‌ای، ابتدا مفهوم و ماهیت تعقیب مصرانه و تفاوت و پیوند آن با مفهوم مزاحمت و اذیت و آزار بررسی خواهد شد و سپس، ارکان آن از نظر حقوق جز و پاسخ‌های کیفری به آن به‌طور تطبیقی در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا که دارای قوانین جزایی ضد تعقیب مصرانه است، تحلیل می‌شود.

۱. مفهوم و گونه‌شناسی تعقیب مصرانه

۱-۱. مفهوم و ماهیت

از نظر لفظی، تعقیب مصرانه^۱ را باید پافشاری در دنبال‌کردن معنا کرد. در فرهنگ انگلیسی آکسفورد، تعقیب مصرانه این‌گونه تعریف شده است: «جرم تعقیب و پاییدن یک شخص برای زمان طولانی که موجب ترس و آزار او شود» (Oxford, 2005: 1490). واقعیت این است که ارائه تعریفی ثابت از تعقیب مصرانه خیلی آسان نیست؛ چراکه پیوسته با دگرگونی مواجه بوده و گاه دامنه‌ای محدود و گاه گسترده را دربرگرفته است. تعقیب مصرانه در تعریف محدود، منحصر به رفتارهای تعقیب و پاییدن است و تقریباً جنسیت‌محور است؛ به این معنا که مرتکبان را مردان و بزه‌دیدگان را زنان در نظر می‌گیرد. در مفهوم گسترده، افزون‌بر تعقیب و پاییدن، دیگر رفتارهای آزارگرایانه مانند مزاحمت جنسی و ایراد آسیب‌های بدنی را شامل می‌شود که البته گاه باعث گسترش بیش از اندازه دامنه آن می‌شود (Choon & Sheridan, 2017: 2-3).

شاید برای درک بهتر مفهوم تعقیب مصرانه، آگاهی از پیشینه آن خیلی کمک کند. در سال ۱۹۸۱ زمانی که فردی به نام جان هینکلی جونیور، رونالد ریگان رئیس‌جمهور وقت آمریکا را به

پیام‌هایی که باعث آزار روحی و روانی شود، جرم‌انگاری و برای آن مجازات در نظر گرفته شده است. در این لایحه نیز فقط زنان موضوع حمایت قرار گرفته‌اند.

۱. برخی پژوهشگران به جای تعقیب مصرانه، از عبارت تعقیب به قصد مزاحمت و آزار استفاده کرده‌اند: صبوری‌پور، ۱۳۹۰: ۱۵؛ برخی نیز «به دنبال کسی افتادن» را معادل فارسی قرار داده‌اند: حسینی و اعتمادی، ۱۳۹۴: ۵۳.

۲. جان هینکلی جونیور (John Hinckley Jr.) مبتلا به اختلال سازگاری (adjustment problems) بود؛ چنان‌که نمی‌توانست در موقعیت‌های استرس‌زا خود را کنترل کند.

همراه تیم همراهش به گلوله بست، تمام گمان‌ها به این سمت رفت که انگیزه او سیاسی بود، اما برخلاف تمام ظن و گمان‌ها، او به دلیل ابتلا به اختلال روانی^۲ و با انگیزه تحت تأثیر قراردادن بازیگر زن (دختری ۱۲ ساله که برای امرار معاش تن به روسپیگری داده بود) فیلم «راننده تاکسی» در تلاش بود تا با تقلید از هنرپیشه نقش اول فیلم، خود را منجی دنیا تصور کرده که در نهایت، تصمیم وی به ترور نافرجام رئیس‌جمهور ختم شد. پس از آن، پرونده‌های مشابه دیگری در آمریکا مطرح شد که یکی بیش از همه مورد توجه قرار گرفت؛ در سال ۱۹۸۹ ریکا شفر بازیگر آمریکایی توسط یکی از طرفداران خود به نام رابرت باردو در ایالت کالیفرنیا به قتل رسید. این رخداد‌های جنایی به پرونده‌های تعقیب مصرانه معروف شدند که پیش از آن در کامن‌لا پیشینه‌ای نداشتند (Davis; Frieze & Maiuro, 2002: 1). بنابراین، نخستین ایالتی که در این رابطه قانون‌گذاری کرد، کالیفرنیا در سال ۱۹۹۰ بود که البته قانون کاملی نبود (Davis, 2001: 388). در سال ۱۹۹۳ به دنبال درخواست کنگره، مؤسسه ملی عدالت دپارتمان دادگستری به انجمن ملی عدالت کیفری^۱ مأموریت داد تا پیش‌نویس یک قانون الگو با عنوان قانون الگوی تعقیب مصرانه^۲ آماده شود که بدین ترتیب، در سال ۱۹۹۳ پیش‌نویس این قانون تهیه و تقدیم کنگره ایالات متحده و سایر ایالت‌ها شد. تا سال ۱۹۹۹ تمام پنجاه ایالت آمریکا این رفتار را جرم‌انگاری و قانونی برای مقابله با این بزه تصویب کردند (لفیو، ۱۳۹۷: ۳۱۴). گفتنی است که قانون الگوی تعقیب مصرانه مصوب ۱۹۹۳، تنها یک نمونه و الگو برای ایالات ارائه می‌دهد و قوانین ایالات با تغییراتی، آن را به تصویب می‌رسانند. این جرم در برخی ایالت‌ها به‌عنوان جنحه، در برخی دیگر به‌عنوان جنایت و در برخی دیگر، هم به‌عنوان جنحه و هم به‌عنوان جنایت شناخته می‌شود که البته مجازات در نظر گرفته شده نیز در ایالت‌های مختلف متفاوت است (Carter, 2016: 30).

در ماده ۲ قانون الگوی تعقیب مصرانه مقرر شده است: «هرکس که الف) عامدانه درگیر فرایندی رفتاری علیه شخصی خاص شود، به‌گونه‌ای که باعث شود یک انسان متعارف از آسیب بدنی به خود یا عضوی از خانواده نزدیکش بترسد یا از مرگ خود یا یکی از اعضای خانواده نزدیکش بهراسد؛ ب) آگاه است یا باید آگاه می‌بود که فرد مشخصی از آسیب بدنی به خود یا عضوی از خانواده نزدیکش در موقعیت ترس متعارف قرار خواهد گرفت یا از ترس مرگ خود یا عضوی از خانواده نزدیکش خواهد ترسید؛ پ) اقداماتش موجب ترسی مشخص از صدمه به خود یا عضوی از خانواده نزدیکش شود یا باعث ترس فرد مشخصی از مرگ خود یا عضوی از خانواده نزدیکش شود؛ مرتکب جرم تعقیب مصرانه شده است» (پیشین).

1. National Association of Criminal Justice
2. Anti- Stalking Law

در ماده ۱ همین قانون، مفهوم برخی از اصطلاحات به کاررفته در ماده ۲ بیان شده است. منظور از «فرایند رفتاری»، استمرار مکرر دیداری و بدنی به کسی یا رساندن مکرر تهدیدهای کلامی یا کتبی یا تهدیدهای ضمنی از طریق رفتار یا ترکیبی از آن‌ها به طور مستقیم یا غیرمستقیم به کسی است. منظور از «مکرر»، دوبار یا بیشتر است. این جرم در سال ۲۰۰۷ و در قانون الگوی تعقیب مصرانه، مورد بازبینی قرار گرفت و پیشنهادهایی برای آن ارائه شد که موجب دربرگرفتن دامنه گسترده‌تری از رفتارها گردید. از تغییرهای مهم، بند پ ماده ۲ این قانون بود که مقرر کرد: «منظور از انسان متعارف، انسان متعارف در شرایط بزه‌دیده است» (همان: ۳۰۵). به نظر می‌رسد که با افزوده شدن عبارت «در شرایط بزه‌دیده»، معیار تشخیص بزه‌دیدگی از نوعی به شخصی نزدیک‌تر شده است. برای مثال، این احتمال وجود دارد که بزه‌دیده دارای شرایطی مانند پایین بودن سن یا ابتلا به بیماری باشد که باعث می‌شود از یک نفر که چنین شرایطی ندارد، بیشتر یا زودتر احساس ترس کند. باتوجه به ماده ۲ قانون جزای الگو، یک بار تهدید دیگری برای تحقق جرم تعقیب مصرانه کفایت نمی‌کند. پس چنانچه فردی یک بار تعقیب شده و همین یک بار نیز موجب ترس و دلهره او شود، این جرم واقع نمی‌شود. همین طور است اگر یک بار به کشته شدن یا صدمه دیدن تهدید شود. در قانون جزایی کالیفرنیا تعریفی از تعقیب مصرانه در سال ۱۹۹۰ ارائه شده است: «هرکس که عمداً و با سوءنیت به صورت مکرر دیگری را تعقیب کند^۱ یا مورد آزار و مزاحمت^۲ قرار دهد و از روی قصد باعث ایجاد تهدید محسوس در وی شود و آن فرد را در موقعیت ترس از مرگ یا آسیب بدنی شدید قرار دهد، مرتکب جرم تعقیب مصرانه شده است» (Finch, 2001: 125).

همان طور که ملاحظه می‌شود، در قانون کالیفرنیا در کنار رفتار تعقیب، مشخصاً به مزاحمت نیز اشاره شده است. واقعیت این است که گاه بین رفتار تعقیب مصرانه با رفتار آزارگرایانه یا جرم دیگری به نام مزاحمت^۳ پیوند و نزدیکی بسیار زیادی برقرار می‌شود؛ به گونه‌ای که این دو اغلب

1. Follow
2. Harass
3. Harassment

برای این واژه، معادل‌های فارسی گوناگونی مانند مزاحمت، به‌ستوه‌آوری، اذیت و آزار و غیره استفاده شده است که همگی درست به نظر می‌رسند. با وجود این، شاید مزاحمت از این جهت بهتر باشد که از یک‌سو، آنچه از اذیت و آزار بیشتر به ذهن متبادر می‌شود، وجه جنسی و بدنی است و از سوی دیگر، به‌ستوه‌آوری نیز به‌رغم انتقال بهتر شرط تکراری بودن رفتار، رفتارهای همراه با آزار جنسی همراه با تماس بدنی را به ذهن متبادر نمی‌کند. حال آنکه در تعریف موسع و کنونی، تماس بدنی برخلاف میل نیز مشمول این واژه می‌شود و فقط به آزار روانی منحصر نیست. بدیهی است مزاحمت در اینجا به‌عنوان جرم یا خشونت علیه اشخاص (تمامیت معنوی) منظور است و دامنه زیادی از رفتارهای آزارگرایانه (جنسیتی، جنسی، نژادی، مذهبی و ...) را دربرمی‌گیرد که به‌طور عمده در محیط‌های حرفه‌ای و آموزشی و در موقعیت‌های نابرابری مانند کارفرما و کارکنان، استاد و دانشجو و غیره رخ می‌دهد. یکی از مهم‌ترین گونه‌های مزاحمت، مزاحمت جنسی (Sexual Harassment) است که برخی آن را

از نظر واژگانی با هم نوشته شده یا از نظر مفهومی مرتبط با هم و گاه همسان در نظر گرفته می‌شوند. همچنانکه برای نمونه، در برخی ایالت‌های آمریکا به‌جای قانون مقابله با تعقیب مصرانه، قانون مقابله با مزاحمت^۱ تصویب شده است که در واقع، هر دو قانون یک جرم را بیان می‌کنند. همین‌طور، در کشورهای دیگری مانند کانادا، قانون مزاحمت جزایی^۲ تصویب شده است که رفتارهای مربوط به تعقیب مصرانه جرم‌انگاری شده است. قانون حمایت در برابر مزاحمت^۳ مصوب ۱۹۹۷ در انگلستان و ولز نیز با جرم‌انگاری تعقیب مصرانه، رفتارهای بیشتری را نسبت به قوانین ایالت‌های آمریکا پوشش داده است (Mullen & Pathe, 2002: 275) که با تصویب قانون حمایت از آزادی‌ها^۴ در سال ۲۰۱۲، تعقیب مصرانه به‌طور مستقل و خاص مورد توجه قرار گرفت. در آمریکا پیش از تصویب قوانین ضد تعقیب مصرانه، این رفتار را مزاحمت یا علاقه افراطی و وسواسی^۵ و در برخی از پرونده‌ها، خشونت خانگی^۶ در نظر می‌گرفتند (Carter, 2016: 359).

در واقع، در قوانین ایالات متحده آمریکا برای مزاحمت تعریفی ارائه نشده است؛ چراکه هر دو عبارت، مزاحمت و تعقیب مصرانه را در بیشتر موارد یکسان در نظر گرفته و آن‌ها را در کنار یکدیگر استفاده می‌کنند و یا تعقیب مصرانه را روشی برای ایجاد مزاحمت می‌دانند (Ibid). به همین دلیل، برای ارائه تعریف مزاحمت شاید مراجعه به قانون حمایت در برابر مزاحمت ۱۹۹۷ انگلستان راه‌گشا تر باشد که در بخش هفتم این قانون، مزاحمت شامل هراساندن^۷ یا ایجاد دلهره و پریشانی^۸ در افراد می‌شود. مزاحمت را به‌عنوان یکی از عناصر جرم تعقیب مصرانه می‌توان فرایند رفتاری آگاهانه و غیرقانونی تعریف کرد که نسبت به شخصی خاص انجام می‌گیرد و باعث اذیت و آزار، هراس، رنجش^۹ و وحشت‌زدگی^{۱۰} فرد می‌شود (Davis, Op.cit: 495). به بیانی ساده و کوتاه، مزاحمت اغلب بخشی از ماهیت تعقیب مصرانه است؛ زیرا معمولاً در نفس اصرار (مصرانه)، رنجش و آزار نهفته است.

دست‌اندازی جنسی یک فرد نسبت به دیگری با وجود مخالفت او تعریف کرده‌اند (شایان مهر، ۱۳۷۷: ۲۲) که به نظر می‌رسد دامنه وسیع‌تری داشته باشد و رفتارهایی مانند نگاه‌های شهوانی و اصرار بر پیشنهاد برقراری رابطه جنسی نیز نوعی مزاحمت جنسی محسوب شود.

1. Anti Harassment law
2. Criminal harassment
3. Protection from Harassment Act
4. Protection of Freedoms Act
5. Obsession
6. Domestic violence
7. Alarming
8. Distress
9. Torment
10. Terrorizes

برخی روان‌شناسان با در نظر گرفتن ماهیت تعقیب مصرانه، از اصطلاح تعقیب وسواسی^۱ استفاده کرده و آن را چنین تعریف کرده‌اند: «یک فرایند غیرعادی و طولانی‌مدت از تهدید و مزاحمت که نسبت به یک فرد خاص انجام می‌گیرد» (Korkodeilou, 2020: 31). در اینجا منظور از فرایند تهدید و مزاحمت شامل بیش از دو بار ارتکاب رفتار برخلاف رضایت تعقیب‌شونده است. این تعریف، تعقیب مصرانه را صرفاً یک فرایند رفتاری^۲ دانسته است؛ بدون آنکه به تأثیری که این فرایند روی روان فرد تعقیب‌شونده می‌گذارد، توجه کند. برخی دیگر از پژوهشگران، تعقیب مصرانه را فرایند تعقیب و مزاحمت ناخواسته و یا مداخله‌ای می‌دانند که باعث احساس ترس یک شخص متعارف می‌شود (Meloy; Sheridan & Hoffmann, 2008: 292).

در مجموع، با توجه به تعاریف ارائه‌شده به نظر می‌رسد این تعریف از تعقیب مصرانه مناسب باشد: «تعقیب، پاییدن و مزاحمت‌های مکرر که اغلب برای راضی کردن فرد ناراضی برای برقراری ارتباط انجام می‌شود». (Scheb and Scheb II, 2011: 153)

۱-۲. گونه‌شناسی

موضوع مرتبط با تعقیب مصرانه، بستر ارتکاب این رفتار است که به نظر می‌رسد در دو بستر رخ می‌هد: بستر واقعی و بستر مجازی. گرچه نمونه‌های رخداد این جرم در فضای واقعی، هم قدیمی‌تر و هم رایج‌تر بوده، ولی اینترنت و شبکه‌های مجازی بستری بسیار مناسب و آسان برای ارتکاب تعقیب مصرانه فراهم کرده است.

۱-۲-۱. گونه‌شناسی بر پایه بستر رویداد

بیشتر تعقیب و پاییدن اشخاص، در بستر واقعی رخ می‌دهد. ارسال نامه‌های بی‌پایان، برقراری تماس از طریق تلفن، گذاشتن پیغام روی شیشه خودرو یا درب خانه یا محل کار، تعقیب‌های مکرر و مستمر، تهدید، ابراز عشق و فرستادن هدیه و یا رفتارهای خشونت‌آمیز، از جمله مهم‌ترین مصادیق و جلوه‌های تعقیب مصرانه در فضای واقعی است (Hirtenlehner; Starzer & Weber, 2012: 1). افزون بر این، پیگیری و جست‌وجوی اطلاعات شخصی قربانی، دنبال کردن و تجسس در امور او، حضور عامدانه و برنامه‌ریزی‌شده در مکان‌هایی که بزه‌دیده اغلب در آنجا حضور دارد و تلاش برای برقراری ارتباط برخلاف تمایل بزه‌دیده (Katja; Sheridan & Roberts, 2010: 685)، یا تعقیب افراد با دوربین‌های مخفی یا سامانه‌های مکان‌یاب (Fraser et al., 2010: 41) از دیگر موارد تعقیب مصرانه در فضای واقعی است.

1. Obsessional following
2. Course of conduct

مهم‌ترین وجه تمایز روش و بستر مجازی با تعقیب افراد در فضای واقعی، ابزار مورد استفاده برای ارتکاب آن، یعنی اینترنت است. شبکه مجازی جهانی در سال‌های اخیر زندگی بشر را به شدت تحت تأثیر قرار داده و جرائم، از جمله تعقیب مصرانه، نیز متأثر از آن تغییر شکل داده‌اند. بزهدکار به وسیله اینترنت، بدون محدودیت می‌تواند به اطلاعات بزهدیده دست پیدا کند و با استفاده از اطلاعات به دست آمده مزاحم بزهدیده شود و او را آزار دهد. تعقیب مصرانه از طریق فضای مجازی شکلی خطرناک از تعقیب است؛ زیرا به آسانی با حمله به حریم خصوصی افراد می‌تواند آن‌ها را آزار دهد (Sainz, 2018: 14). تعقیب مصرانه در فضای مجازی^۱ را می‌توان نوعاً استفاده از اینترنت برای ایجاد میزانی از تهدید، آزار و ترس، به شکلی مجرمانه نسبت به یک یا چند بزهدیده دانست که این امر می‌تواند از فرستادن رایانامه‌های غیرتهدیدکننده تا برخوردی که در نهایت می‌تواند موجب مرگ شود، در میان بزهدکار و بزهدیده متغیر باشد (کی جیشانکار، ۱۳۹۴: ۳۸۸). برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در حدود سه چهارم تعقیب‌های مصرانه رخ داده در فضای مجازی و واقعی، بین بزهدکار و بزهدیده آشنایی قبلی وجود داشته است. بزهدکار در این موارد، اغلب همسر پیشین، معشوقه، هم‌خانه، همسایه یا همکار بزهدیده بوده که البته همسر پیشین و معشوقه بیشترین آمار تعقیب از طریق اینترنت را دارند (Fraser et al., Op. Cit: 49-51). از معضلات تعقیب مصرانه مجازی، باید به مخفی بودن هویت بزهدکار و محل اقامت وی اشاره کرد و اینکه بزهدکار در این موارد با خاطری آسوده افراد را در فضای مجازی به طور مصرانه تعقیب می‌کند؛ بدون آنکه ترسی از پیگرد قانونی داشته باشد. از جمله مصادیق این روش، ارسال پیام‌های آزاردهنده از طریق پیام‌رسان‌های مجازی مانند ایمیل، تلگرام، واتس‌آپ، اینستاگرام یا ارسال هرزنامه به بزهدیده است که نتیجه آن می‌تواند دریافت روزانه هزاران پیام ناخواسته باشد (Wall, 2001: 141). وقتی دریافت‌کننده راضی نباشد، ارسال پیام‌های متعدد و اصرار بر آن با هر محتوایی، حتی عادی، می‌تواند از مصادیق این جرم به حساب آید.

در ایالات متحده آمریکا برخی از ایالت‌ها مانند میشیگان، آریزونا، آلاسکا، اوکلاهاما و نیویورک، قانونی مستقل برای تعقیب مصرانه در فضای مجازی تصویب کرده‌اند و سایرین نیز قوانین ضد تعقیب مصرانه خود را اصلاح کرده و بخشی را به تعقیب مصرانه در فضای مجازی اختصاص داده‌اند (Ibid: 315). تصویب قانونی خاص یا اختصاص بخشی از قانون به تعقیب مصرانه در فضای مجازی، گستردگی و اهمیت این گونه از جرم را نشان می‌دهد.

۱-۲-۲. گونه‌شناسی بر پایه مرتکبان

تاکنون دسته‌بندی واحدی از بزهکاران تعقیب مصرانه ارائه نشده است، ولی به‌طورکلی می‌توان بزهکاران تعقیب مصرانه را به دو گونه عمده تقسیم کرد: نخست) براساس ویژگی‌های روان‌شناختی مرتکبان و دوم) بر پایه انگیزه و منفعت مرتکبان. از میان این دو گونه، شاخص‌ترین آن بر پایه ویژگی‌های روان‌شناختی مرتکبان است که در یک دسته‌بندی مشهور، سه پژوهشگر به نام‌های زونا، شارما و لین^۱، مرتکبان را به سه گونه مجنون جنسی^۲، عاشق‌پیشه^۳ و مبتلا به اختلال وسواسی ساده^۴ تقسیم‌بندی کرده‌اند.

گونه نخست، تعقیب‌کنندگان مبتلا به جنون جنسی هستند که اغلب بدون اینکه پیش‌تر رابطه‌ای با بزه‌دیده داشته باشند، در ذهن خود با بزه‌دیده رابطه‌ای عاشقانه داشته و مبتلا به نوعی از اختلال هذیان هستند. گروه دوم، به تعقیب‌کنندگان عاشق‌پیشه معروف‌اند که همانند تعقیب‌کنندگان دارای جنون جنسی، با بزه‌دیده که اغلب افرادی مشهور هستند، از طرف خود در رابطه‌ای عاشقانه و احساسی هستند؛ با این تفاوت که هذیان عاشق‌پیشگان بخشی از یک اختلال روانی گسترده‌تر، مانند اسکیزوفرنی یا اختلال شخصیتی دوقطبی است و بیشتر مرتکبان آن مرد هستند. گونه سوم نیز، تعقیب‌کنندگان وسواسی ساده هستند که برخلاف دو گونه پیشین، با بزه‌دیده خود رابطه قبلی داشته و اغلب پس از به‌هم‌خوردن رابطه، طرف خود را به‌طور پیوسته تعقیب کرده و آزار می‌دهند (Mullen & Pathe, Op.cit: 289).

از نظر گونه‌شناسی انگیزشی مرتکبان بر مبنای پژوهش‌های انجام‌شده، دسته‌بندی‌های گوناگونی ارائه شده است. برای نمونه، حسب گزارش مؤسسه ملی عدالت^۵ آمریکا، مرتکبان تعقیب مصرانه با انگیزه‌هایی مانند تحت کنترل درآوردن بزه‌دیده، پاسخ‌های جبرانی به سرخوردگی و گره‌های روحی و روانی، تعصب و حسادت و انتقام‌جویی یا عصبانیت، مرتکب این جرم می‌شوند (Sainz, Op.cit: 17-18). بنابراین، انگیزه‌های ارتکاب این جرم گوناگون‌اند. گاهی بزهکار توسط بزه‌دیده پس زده شده یا کنار گذاشته می‌شود؛ همانند زمانی که دو طرف از یکدیگر طلاق گرفته‌اند یا پیش از آن با یکدیگر زندگی مشترک داشتند و مرد به‌دلیل تعصب و حسادت که نسبت به همسر و شریک سابق دارد، وی را تعقیب می‌کند. در مواردی بزهکار به‌دنبال برقراری روابط دوستانه با بزه‌دیده است. افرادی هم هستند که به تعقیب و جاسوسی از بزه‌دیده می‌پردازند تا فرصتی برای حمله به بزه‌دیده یا تجاوز به او پیدا کنند و گاه نیز بزهکار به‌دلیل آسیبی که از

1. Zona, Sharma, and Lane

2. Erotomania

3. Delusional disorder

4. Love obsessional

5. National Institute of Justice

بزه‌دیده متحمل شده، او را با انگیزه انتقام‌جویی مورد تعقیب و آزار قرار می‌دهد. برای شناخت و فهم انگیزه بزه‌کار می‌توان از طریق ارتباطات و رفتار فرد تعقیب‌کننده با بزه‌دیده یا مصاحبه‌های بزه‌دیده در رابطه با بزه و صحبت‌های طرف‌های درگیر استفاده کرد (Davis, Op.cit: 304-305).

به‌طور کلی بر پایه انگیزه مرتکبان، می‌توان تعقیب‌کنندگان را به شش گونه تقسیم کرد. گونه نخست، تعقیب‌کنندگان افراد مشهوری^۱ مانند هنرمندان و ورزشکاران هستند. در این مورد بزه‌دیده با دقت زیادی توسط بزه‌کار انتخاب می‌شود و انگیزه او کاملاً شخصی و برای ارضای احساسات درونی خود است. گونه دوم، تعقیب‌کنندگان شهوت‌ران^۲ هستند که در واقع مجرمان سریالی محسوب شده و بزه‌دیده‌هایشان را از بین افراد غریبه‌ای که ویژگی‌های جذابی دارند، انتخاب می‌کنند. گونه سوم، به تعقیب‌کنندگان شکارچی^۳ معروف‌اند که انگیزه‌ای جز دریافت پول و منفعت مالی نداشته و هیچ نوع رابطه شخصی و عاطفی با بزه‌دیده ندارند. گونه چهارم، تعقیب‌کنندگان با انگیزه عاطفی هستند که به‌خاطر عشقشان به بزه‌دیده، از سوی او پس زده شده و مورد تمسخر یا تحقیر او واقع شده‌اند.^۴ در واقع، خشونت‌ورزی این افراد در پاسخ به این سرخوردگی عاطفی است. گونه پنجم، تعقیب‌کنندگان خانگی^۵ هستند که زمانی با بزه‌دیده زندگی مشترک داشته‌اند. مانند زوج‌هایی که با هم ازدواج کردند یا افرادی که با هم زندگی می‌کنند. در این مورد، بزه‌کار طرف مقابل خود را تحت تعقیب قرار می‌دهد به‌طوری که در نهایت نه‌تنها مرتکب تعقیب مصرانه شده، بلکه تعقیب و پاییدن تعقیب‌شونده اغلب به خشونت منتهی می‌شود. در تحقیقی که در سال ۱۹۹۷ در ایالات متحده آمریکا صورت گرفت، تخمین زده شد که تقریباً ۹۰ درصد زنانی که به دست شریک جنسی پیشین خود به قتل رسیدند، قبلاً مورد تعقیب مصرانه قرار گرفته بودند (Ibid: 172).

سرانجام، گونه ششم، تعقیب‌کنندگانی هستند که سیاست‌مداران^۶ را تعقیب می‌کنند. این تعقیب‌ها به‌صورت برنامه‌ریزی‌شده انجام می‌گیرد و اغلب با انگیزه قتل یا دیگر خشونت‌های مرگ‌بار همراه است (Ibid: 21).

در رابطه با بزه‌دیده واقع‌شدن، همواره عواملی مانند جنسیت، سن، سطح سواد و جایگاه اجتماعی مهم به نظر می‌رسد. برای مثال، در یک پژوهش میدانی، تقریباً ۸۰ درصد از بزه‌دیدگان تعقیب مصرانه زنان بودند (Wall, Op.cit: 279). همین‌طور مطابق با پژوهشی دیگر، افراد مجرد و سفیدپوستان، بیشتر بزه‌دیده این جرم قرار می‌گیرند (Reyns & Englebrecht, 2012: 798).

1. Celebrity Stalker
2. Lust Stalker
3. Hit Stalker
4. Love-Scorned Stalker
5. Domestic Stalker
6. Political Stalker

گفتنی است که در بیشتر پژوهش‌های انجام‌گرفته درباره تعقیب مصرانه، بررسی ویژگی‌های بزه‌دیده نادیده گرفته شده است. برای مثال، گاه بزه‌دیدگی افراد سیاه‌پوستی که تعقیب مصرانه می‌شوند، از طرف مقامات رسمی جدی گرفته نمی‌شود. همین‌طور، زنانی که مشروبات الکلی یا مواد روان‌گردان مصرف کرده بودند، بیشتر مورد تعقیب مصرانه قرار می‌گرفتند (Kinkade; Burn & Fuentes, 2005: 6). طبق پژوهشی دیگر، افراد دوجنسیتی یا افرادی که گرایش جنسی نسبت به هم‌جنس خود داشتند، تجربه بیشتری از مزاحمت و تعقیب مصرانه نسبت به سایر افراد را تجربه کرده‌اند (Sheridan; Scott & Campbell, 2019: 1391). در بیشتر اوقات بزهکار با رفتارهای خود آزادی بزه‌دیدگان را محدود و مخدوش می‌کند.

۲. ارکان جرم تعقیب مصرانه

در قوانین جزایی کنونی ایران، جرم مشخصی با عنوان تعقیب مصرانه وجود ندارد و قوانین مرتبط موجود، مواد ۶۱۹، ۶۳۸^۱ و ۶۴۱ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، بدون آنکه جامع باشند، می‌توانند تنها مصادیقی از این رفتار محسوب شوند.

ماده ۶۱۹ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مقرر می‌دارد: «هرکس در اماکن عمومی یا معابر، متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین کند، به حبس از دوماه تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد». این ماده شامل سه رفتار است: تعرض، مزاحمت و توهین. به نظر می‌رسد منظور از تعرض، دست‌درازی کردن و تماس بدنی است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۵۰۹). تکلیف توهین مشخص است و بر پایه ماده ۶۰۸ همان قانون، یعنی توهین ساده، قابل تفسیر است. مزاحمت در اینجا در همان معنای معمول به‌کار رفته است و تعقیب مصرانه می‌تواند یکی از مصادیق آن باشد. در واقع، حکم ماده ۶۱۹ را باید نزدیک‌ترین حکم قانون‌گذار برای حمایت کیفری از بزه‌دیدگان تعقیب مصرانه دانست؛ با وجود این، از نظر ارکان تفاوت‌های مهمی با هم دارند که تحلیل خواهد شد.

۲-۱. رفتار

رفتار در جرم تعقیب مصرانه به‌طور مشخص تعقیب‌کردن و پاییدن است. این رفتار ممکن است در

۱. گفتنی است که رفتار مجرمانه ماده ۶۳۸ را می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد. قسمت نخست ماده با تظاهر به عمل حرام و قسمت دوم ماده در رابطه با ارتکاب عمل منافی عفت مورد بحث است. هرکدام از این عناوین خود دارای مصادیقی هستند. از جمله مصادیقی که در رابطه با هر دو قسمت این ماده قابل تأمل است، تجسس در امور افراد و نگاه‌های هیزآلود است که می‌تواند از مصادیق تعقیب مصرانه به حساب آید.

فضای واقعی یا مجازی رخ دهد. بنابراین، همان قدر که در گونه سنتی این جرم تعقیب فرد در کوچه و خیابان و غیره منظور است، تماس‌های تلفنی و فرستادن پیامک از پیام‌رسان‌ها یا تحت‌نظرگرفتن و تجسس کردن افراد از طریق فضای مجازی نیز مشمول این جرم است که البته تنها با فعل مثبت تحقق می‌پذیرد.

در تعریف تعقیب مصرانه گفته شد «فرایند رفتاری...»؛ بنابراین، شرط است که رفتار مدنظر در این جرم بیش از دو بار توسط مرتکب علیه بزه‌دیده مشخص ارتکاب یابد. در واقع، تعقیب مصرانه جرمی به‌عادت به نظر می‌رسد که رفتار تشکیل‌دهنده آن باید بیش از دو بار ارتکاب یابد. البته باید این نکته را نیز در نظر داشت که در جرم به‌عادت بایستی رفتار واحد حداقل دو بار ارتکاب یابد (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۳۱۲)؛ در حالی که در فرایند رفتاری لازم نیست، هر بار یک نوع مشابه ارتکاب یابد (لفیو، پیشین: ۵۸). برای مثال در ماده ۷۱۲ قانون مجازات، رفتار فیزیکی این جرم که همان تکلدی‌گری است، بیش از دو بار ارتکاب می‌یابد، اما در تعقیب مصرانه چنانچه مرتکب یک بار نامه بفرستد و یک بار با تلفن همراه بزه‌دیده تماس بگیرد و یک بار او را در خیابان تعقیب نماید، جرم رخ داده است؛ هرچند یک رفتار فیزیکی مشابه بارها تکرار نشده است، ولی چند رفتار یک فرایند رفتاری را تشکیل داده‌اند.

در ماده ۶۱۹ پیش‌گفته، مزاحمت بانوان و کودکان در مکان‌های عمومی جرم‌انگاری شده، ولی ارکان مزاحمت و درباره اینکه در چه شرایطی و با چه عناصری، مزاحمت واقع می‌شود، سخنی گفته نشده است. مزاحمت می‌تواند مصادیق گوناگونی داشته باشد که یکی از آن‌ها می‌تواند تعقیب و پاییدن باشد. بر این اساس، چنانچه مردی دنبال زنی راه بیفتد و به دادن یا گرفتن شماره تلفن یا نامه برخلاف رضایت تعقیب‌شونده اصرار کند، رفتارش مشمول این ماده خواهد بود. یکی از تفاوت‌های این ماده با تعقیب مصرانه در اینجا آشکار می‌شود که در جرم موضوع ماده ۶۱۹، تکرار شرط نیست و هر مزاحمتی حتی با یک بار رفتار آزارگرایانه کافی است. ممکن است بتوان این تفسیر را ارائه کرد که اساساً مزاحمت با تکرار و اصرار حاصل می‌شود و لذا در اینجا نیز مکرر بودن رفتار شرط است. در این صورت در فرض فوق، اگر تعقیب‌کننده از زن درخواست دریافت شماره تلفن کند و با عدم تمایل او از ادامه رفتار منصرف شود، مزاحمت رخ نداده است.

قانون‌گذار ایران با پیشرفت فناوری، رفتار جدیدی را از مصادیق تعقیب مصرانه جرم‌انگاری کرده است و آن بزه مزاحمت تلفنی است. ایجاد مزاحمت تلفنی در ماده ۶۴۱ قانون تعزیرات مقرر می‌دارد: «هرگاه کسی به‌وسیله تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی دیگر برای اشخاص ایجاد مزاحمت نماید، علاوه بر اجرای مقررات خاص شرکت مخابرات، مرتکب به حبس از یک تا شش ماه محکوم خواهد شد.» رفتار مجرمانه در جرم مزاحمت تلفنی فعل مثبت است و صرف شماره‌گیری

و برقراری تماس بدون ردوبدل شدن کلام نیز رفتار مجرمانه لازم برای تشکیل این بزه را فراهم می‌آورد (حبیب‌زاده و علی‌پور، ۱۳۹۱: ۶۴).

ماده ۶۳۸ قانون تعزیرات جرم مرتبط دیگری با تعقیب مصرانه است که مقرر می‌دارد: «هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید، به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.» به‌رغم عبارات مبهمی مانند عفت عمومی که تعریفی در قانون مجازات ندارد و عبارت کلی عمل حرام که هرکدام نیاز به تفسیر دارد و تفسیرهای متفاوتی نیز در پی داشته است، شاید بتوان گفت یکی دیگر از مصادیق تعقیب مصرانه در قسمت دوم این ماده آمده است. برای مثال، رفتارهایی مانند خیره‌شدن و نگاه هیزآلود به زن نامحرم که نوعی ایجاد مزاحمت بوده و حرمت شرعی نیز دارد، طی شرایطی، از جمله به شرط تکرار و اصرار، ماهیتاً از مصادیق تعقیب مصرانه باشد. تجسس و جاسوسی کردن در حریم خصوصی افراد نیز از دیگر مصادیق تعقیب مصرانه به حساب می‌آید. هرچند تجسس در امور افراد در آیات متعددی از قرآن کریم و همچنین احادیث و روایات متعدد^۱ نهی شده و از جمله اعمال حرام است، اما ماهیت تجسس همواره به‌دست‌آوردن اطلاعات به‌صورت مخفیانه و پنهانی در امور افراد بوده است^۲ (صالحی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۹-۸۱). لذا، نمی‌توان گفت که تجسس به‌عنوان یکی از مصادیق تعقیب مصرانه با بخش اول حکم ماده ۶۳۸ مورد جرم‌انگاری واقع شده است؛ چراکه مطابق ماده ۶۳۸ قانون تعزیرات فرد باید تظاهر به عمل حرام کند که این شرط با ماهیت تجسس که به‌صورت مخفیانه است در تضاد است.

برخلاف ایران، تعقیب مصرانه در کشورهایی همچون ایالات متحده آمریکا، کانادا، استرالیا، نیوزلند، انگلستان، آلمان، دانمارک و چند کشور دیگر اروپایی، جرم مستقلی است. از نخستین دلایلی که باعث توجه کشورها به تدوین قانونی خاص در رابطه با تعقیب مصرانه شد، بزه‌دیده واقع‌شدن افراد مشهور بود (Kinkade; Burn & Fuentes, Op.Cit: 12). در بند نخست، به پیشینه

۱. به طور مثال خداوند در آیه ۱۲ سوره شریف حجرات، افرادی را که ایمان آورده‌اند، از گمان بد بردن به برادران دینی خود و همچنین تجسس در احوال مردم و غیبت‌کردن صراحتاً نهی کرده است. همچنین، روایتی منتسب به معصوم در رابطه با منع و حرمت تجسس در امور افراد بسیار است؛ از جمله آن می‌توان به این روایت اشاره نمود: «ثلاثة یعدّون یوم القیامه... المستمع الی حدیث قوم و هم له کارهون» (حویزی، بی‌تا: ۹۳).

۲. ریشه لغت تجسس، «جس» به معنای شناخت چیزی با دریافت نامحسوس و ظریف است و جاسوس نیز کسی است که بی‌سروصدا خبر به دست می‌آورد (همان: ۷۹).

تقنینی جرم‌انگاری تعقیب مصرانه و برخی تعاریف قانونی، از جمله به ماده ۱ و ۲ قانون الگوی تعقیب مصرانه که البته تنها یک نمونه پیشنهادی است^۱، اشاره کردیم.

به‌عنوان یکی از قوانین موضوعه ایالتی، شاید قانون جزای ایلینوی یکی از بهترین و البته سخت‌گیرترین نمونه‌های موجود باشد. به موجب این قانون تعقیب مصرانه، جرم درجه جنایی^۲ و گاه از نوع شدید^۳ محسوب شده است:

(الف) هرکسی عامدانه و بدون توجیه قانونی شخصی را حداقل در دو نوبت جداگانه تعقیب کند یا تحت نظر قرار دهد یا ترکیبی از آن و:

- (۱) در هر زمان احساس تهدید به ایراد آسیب جسمانی فعلی یا آتی، تهاجم جنسی، حبس یا محدودیت را منتقل کند و تهدید متوجه آن شخص یا یکی از اعضای خانواده او باشد؛ یا
- (۲) آن شخص را در درک منطقی صدمات بدنی فعلی یا آتی، تهاجم جنسی، حبس یا محدودیت قرار دهد؛ یا

(۳) آن شخص را در هراس منطقی قرار دهد که یکی از اعضای خانواده بلافاصله یا در آینده دچار صدمات جسمی، تهاجم جنسی، حبس یا محدودیت شود.

(a-5) شخصی مرتکب کمین می‌شود که قبلاً به جرم تعقیب شخص دیگری به‌صورت آگاهانه و بدون توجیه قانونی در یک مورد محکوم شده باشد:

- (۱) همان شخص را دنبال می‌کند یا همان شخص را تحت نظر قرار می‌دهد؛ و
- (۲) تهدیدی برای صدمات جسمی فوری یا آتی، تجاوز جنسی، حبس یا محدودیت منتقل می‌کند؛ و

(۳) تهدید متوجه آن شخص یا یکی از اعضای خانواده آن شخص می‌شود.

در بخش (d) قانون آمده است که یک متهم «شخصی را تحت نظارت قرار می‌دهد» به‌صورت:

- (۱) حضور در بیرون از مدرسه، محل کار، وسیله نقلیه شخص یا محل دیگری که توسط شخص اشغال شده یا محل زندگی او به غیر از محل اقامت متهم یا (۲) قراردادن دستگاه ردیاب الکترونیکی روی شخص یا اموال شخص.

۱. ماده ۲ قانون الگوی تعقیب مصرانه مقرر شده است: «هرکس که الف) عامدانه درگیر فرایندی رفتاری علیه شخصی خاص شود، به‌گونه‌ای که باعث شود یک انسان متعارف از آسیب بدنی به خود یا عضوی از خانواده نزدیکش بترسد یا از مرگ خود یا یکی از اعضای خانواده نزدیکش بهراسد؛ ب) آگاه است یا باید آگاه می‌بود که فرد مشخصی از آسیب بدنی به خود یا عضوی از خانواده نزدیکش در موقعیت ترس متعارف قرار خواهد گرفت یا از ترس مرگ خود یا عضوی از خانواده نزدیکش خواهد ترسید؛ پ) اقداماتش موجب ترسی مشخص از صدمه به خود یا عضوی از خانواده نزدیکش شود یا باعث ترس فرد مشخصی از مرگ خود یا عضوی از خانواده نزدیکش شود؛ مرتکب تعقیب مصرانه شده است.»

2. Felony

3. Serious felony

در بخش (e) تصریح شده است که کلمات «دنبال کردن شخص دیگر» به معنای حرکت در نزدیکی نسبی با شخص است؛ زیرا این شخص از جایی به جای دیگر حرکت می‌کند یا (ب) برای نزدیکی با شخصی که ثابت است یا حرکات او محدود به یک منطقه کوچک است به کار می‌رود. باین حال، بند (e) اشاره می‌کند که دنبال کردن شخص دیگری شامل موارد زیر در محل اقامت متهم نیست. در بخش (g)، تعریف «انتقال تهدید» به معنای تهدید کلامی یا کتبی یا تهدید ناشی از الگوی رفتار یا ترکیبی از گفته‌ها یا رفتارهای کلامی یا کتبی تعریف شده است. سرانجام، بخش فرعی (h) عضو خانواده را به‌طور موسع تعریف می‌کند. در قانون جزای ایلینوی چنانچه مرتکب تعقیب مصرانه، یکی از موارد زیر را نیز مرتکب شود، به جرم مشدد محکوم خواهد شد:

(۱) باعث آسیب بدنی به قربانی شود؛

(۲) قربانی را محدود کند؛ یا

(۳) دستور توقیف موقت، دستور حفاظت یا دستور منع رفتارهای توصیف شده در بخش فرعی (b) (۱) بخش ۲۱۴ قانون خشونت خانگی سال ۱۹۸۶ ایلینوی - 12 / 5 ILCS 720 ST. III. 7.4(a) را نقض کند (Scheb & Scheb, 2011: 153-154).

ارکان و شرایط این جرم در قوانین جزایی ایالت‌های دیگر نیز کم و بیش همسان است. در ماده (a) ۶۴۶ قانون جزای کالیفرنیا، تعقیب مصرانه این‌گونه تعریف شده است: «هرکس عمداً و با سوءنیت به‌صورت مکرر دیگری را تعقیب کند^۱ یا مورد آزار و مزاحمت^۲ قرار دهد و با قصد قراردادن فرد در موقعیت ترس از امنیت خود یا خانواده‌اش، او را تهدید محسوس کند، مرتکب جرم تعقیب مصرانه شده است...» (<https://leginfo.ca.gov>, Last visited: 20 January 2021).

۲-۲. شرایط و اوضاع و احوال

افزون بر شرط تکرار و اصرار در رفتار، شرایط دیگری نیز برای تحقق جرم تعقیب مصرانه لازم است. شرط نخست، عدم رضایت تعقیب‌شونده است. این شرط ویژگی طبیعی مزاحمت است. بنابراین، چنانچه زنی از اینکه توسط فرد مشخصی که او را تعقیب می‌کند و می‌پاید، احساس رضایت و خوش داشته باشد، جرمی رخ نمی‌دهد. وسیله در این جرم شرط نیست، بلکه انتقال ترس و وحشت که عمدتاً با رفتاری تهدیدآمیز همراه می‌گردد، مهم است؛ حال این رفتار چه در فضای واقعی و چه به‌صورت مجازی؛ چه به‌صورت نوشتاری، چه گفتاری و چه کرداری این جرم را محقق می‌سازد (Rens & Englebrecht, Op.Cit: 790). کوتاه و بلندبودن این فرایند رفتاری خیلی

1. Follow
2. Harass

مهم نیست، بلکه رفتار باید نشان‌دهنده استمرار در هدف باشد و از یک‌سری اعمال تشکیل شود (Ibid: 497). همچنین، تهدید می‌تواند متوجه آینده‌ای نامشخص باشد؛ یعنی بزه‌کار بزه‌دیده را به انجام کاری در زمان آینده تهدید کند، اعم از اینکه به صورت ضمنی یا صریح باشد. در تهدید ضمنی، بزه‌دیده براساس رفتارهای قبلی بزه‌کار و شناختی که از او پیدا می‌کند، متوجه تهدید شده و آن را احساس می‌کند. مانند زمانی که بزه‌کار عروسکی را به طور کامل عریان کرده و طنابی به گردنش بسته و در تخت‌خواب بزه‌دیده می‌گذارد (Davis, Op.Cit: 392). ماده ۶۱۹ که از مزاحمت سخن گفته، مقید به وسیله نیست. اما وسیله، یعنی تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی، در جرم مزاحمت تلفنی موضوع ماده ۶۴۱ شرط است. مطابق با تبصره ۱ ماده ۱ قانون تأسیس شرکت مخابرات ایران: «مقصود از مخابرات عبارت است از انتقال و ارسال علائم و نوشته‌ها و تصاویر و صداها و هرگونه اطلاعات دیگر به وسیله سیم یا بی‌سیم و یا نور و یا هر رویه الکترومغناطیسی». در این ماده، تلفن اعم از همراه یا ثابت و خصوصی یا عمومی است (انگوتی، ۱۳۹۵: ۱۷-۱۸) و دستگاه‌های مخابراتی دیگر شامل دستگاه‌های نمابر، فاکس، تلکس، پیجر، بی‌سیم و اینترنت می‌شود^۱ (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۷: ۵۴۵).

برخلاف گذشته، جنسیت بزه‌کار و بزه‌دیده در رویکرد کنونی شرط نبوده و اعم از زن و مرد است. از این جهت، تفاوت حکم ماده ۶۱۹ قانون تعزیرات که بزه‌دیده را به زن و کودک محدود کرده، مشخص است. شاید بتوان دلیلش را غالب بودن بزه‌دیدگی زنان در مقایسه با مردان در این جرم دانست. برخی مطالعات نشان می‌دهند که بیشتر قربانیان این جرم، زنان هستند، به نحوی که میزان بزه‌دیدگی آن‌ها چهار برابر مردان است (Jordan, et al., 2003: 148). با وجود این، خارج کردن مردان از حمایت کیفری در جرم موضوع ماده یادشده، پذیرفتنی نبوده و تبعیض ناموجهی است. طبق پژوهش‌های صورت‌گرفته در ایالات متحده آمریکا، دو درصد از مردان و هشت درصد از زنان در طول زندگی خود، تعقیب مصرانه واقع‌شدن خود را گزارش می‌کنند (Ibid) که این نشان‌دهنده جنسیت‌محور نبودن این جرم است.

مکان نیز که در ماده یادشده شرط است، یعنی اماکن و معابر عمومی، در تعقیب مصرانه موضوعیت ندارد و می‌تواند در مکان‌های خصوصی و حتی در فضای مجازی واقع شود. منظور از اماکن عمومی و معابر جایی است که بالقوه اشخاص بتوانند در آن حضور داشته باشند؛ هرچند این امکان وجود دارد که در لحظه ارتکاب جرم شخصی در آنجا حاضر نباشد (زراعت، ۱۳۹۲) که از این

۱. به‌طور کلی جرائم سایبری شامل تمام جرائمی است که به وسیله سامانه‌ها و شبکه‌های اطلاعاتی و یا علیه آن‌ها ارتکاب می‌یابد (Chopin, 2017: 2).

جهت، دامنه مکانی ماده پیش‌گفته محدودتر از تعقیب مصرانه است و همچنین، تنها شامل فضای واقعی می‌شود.

۳-۲. نتیجه

اگر تعقیب مصرانه را جرمی رفتارمحور در نظر بگیریم که به صرف رفتار رخ می‌دهد، جرم مطلق خواهد بود. در این صورت، رفتارهایی مانند تعقیب و پاییدن حتی اگر موجب ایجاد ترس و آشفتگی در تعقیب‌شونده نشود، برای تحقق جرم کافی خواهد بود. به نظر می‌رسد مقیددانستن این جرم معقول‌تر است تا مواردی که اساساً بی‌اثر هستند، از شمول آن خارج شود. نتیجه در این جرم احساس ترس و دلهره و خطر نسبت به امنیت خود و اعضای خانواده است. بنابراین، در فرضی که تعقیب‌شونده اساساً نداند که مورد تعقیب قرار گرفته، جرم محقق نمی‌شود. در پرونده‌های تعقیب مصرانه، دادستان باید ترسیدن بزه‌دیده را اثبات کند که اثبات آن اغلب بستگی به واکنشی دارد که بزه‌دیده در هنگام تعقیب‌شدن از خود نشان می‌دهد. در بیشتر موارد این واکنش، یک واکنش منطقی نیست و باعث مبهم‌شدن معیار برای اثبات ترس در بزه‌دیده می‌شود (Davis, Op.cit: 392). البته لازم نیست که اثبات شود متهم واقعاً قصد تهدید داشته است (Ibid: 393-396).

درواقع، جرم تعقیب مصرانه در بیشتر حوزه‌های قضایی آمریکا مقید به نتیجه است که برای احراز آن، ضروری است که بزه‌کار بزه‌دیده را در موقعیت ترس قرار دهد (لفیو، پیشین: ۳۱۴). در بیشتر ایالت‌ها و در میان پژوهشگران بر سر عنصر رعب و ترس^۱ که عنصری مهم در تعریف این جرم است، هم‌رأیی وجود دارد. رینز^۲ ترس را این‌گونه تعریف کرده است: «ترس یک پاسخ عاطفی و یک تشویش ذهنی است که فرد نسبت به جرم از خود بروز می‌دهد یا نمادها و نشانه‌هایی است که بیانگر حالت ذهنی فرد در روبه‌روشدن با جرم است» (Reyns & Englebrecht, Op.cit: 794). بنابراین، باید در نظر داشت اغلب رفتارهایی چون تلفن‌زدن، فرستادن هدیه یا ارسال ایمیل که تشکیل‌دهنده جرم تعقیب مصرانه هستند، به‌تنهایی جرم محسوب نمی‌شوند، بلکه باید در این مورد به شرایط وقوع این رفتارها توجه شود و آن را مورد ارزیابی و بررسی قرار داد که آیا موجب احساس تهدید و ترس می‌شود یا خیر؟ چنانچه پاسخ مثبت بود جرم تعقیب مصرانه رخ می‌دهد (Sheridan et al., 2019: 1389).

۴-۲. قصد

از نظر رکن روانی، تعقیب مصرانه جرمی عمدی است. بنابراین، وجود سوءنیت عام و ارتکاب

1. Fear
2. Reyns

عامدانه رفتار تعقیب و پاییدن ضروری است. انگیزه نیک و بد بی‌تأثیر است، ولی به نظر می‌رسد که باتوجه به مقیدبودن این جرم، قصد خاص ترساندن و مزاحمت شرط باشد. البته وجود قصد خاص مستقیم و صریح نیاز نیست و احراز قصد غیرمستقیم و تبعی، یعنی علم به وقوع نتیجه مندرج در قسمت اخیر ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی، کافی است.

در همین ارتباط، رویکرد یکسانی در حوزه‌های قضایی آمریکا وجود ندارد. در حدود دوسوم ایالت‌ها برای تشکیل رکن روانی به سوءنیت عام (قصد انجام تعقیب مصرانه) و سوءنیت خاص (قصد ترساندن) نیاز است.^۱ در یک‌چهارم از ایالت‌های آمریکا برای تشکیل رکن روانی صرف وجود سوءنیت عام کفایت می‌کند. همچنین شمار کمی از ایالت‌های آمریکا رکن روانی تعقیب مصرانه را متشکل از بی‌پروایی می‌دانند (کی جیشانکار، پیشین: ۳۱۰-۳۱۲). با این حال و باتوجه به بند «ب» ماده ۲ قانون الگوی تعقیب مصرانه که مقرر می‌دارد: «هرکسی که آگاه است یا باید آگاه می‌بود که فرد مشخصی از صدمه بدنی یا مرگ به خود یا یکی از نزدیکانش در موقعیت ترس قرار می‌گیرد؛ مرتکب بزه تعقیب مصرانه شناخته می‌شود». می‌توان ادعا نمود که قانون الگوی تعقیب مصرانه فرضی را در مورد رکن روانی در نظر می‌گیرد که به آن سوءنیت احتمالی گفته می‌شود. یعنی فرضی که در آن مرتکب به دنبال حصول نتیجه از رفتار خود نیست، ولی باید این احتمال را پیش‌بینی می‌کرد که با انجام رفتار، احتمال حصول نتیجه زیان‌بار وجود دارد (همان: ۳۵۵). در رابطه با تعقیب مصرانه نیز مطابق حکم پیش‌بینی شده در بند «ب» ماده ۲ قانون الگوی تعقیب مصرانه فرد باید این احتمال را بدهد و به این آگاهی برسد که با رفتاری که انجام می‌دهد، طرف مقابلش را نسبت به صدمه بدنی و مرگ خود یا نزدیکانش در موقعیت ترس قرار می‌دهد.

۳. واکنش‌ها و تدابیر

جرم‌انگاری و تعیین مجازات واکنش و تدبیری بسیار مهم و قوی در برابر یک رفتار آسیب‌زا محسوب می‌شود. بنابراین، در کشورهایی که تعقیب مصرانه جرم‌انگاری شده و در کشور ما که برخی از مصادیق آن موضوع حمایت کیفری قرار گرفته، نخستین واکنش قانونی، مجازات مرتکبان است. پیش‌بینی پاسخ‌های کیفری افزون بر بازدارندگی خاص برای پیشگیری از تکرار جرم، کارکرد اربابی عام نیز دارد. ماهیت تعقیب مصرانه به گونه‌ای است که گویی خود از یک‌سو، جرمی مستقل است و از سوی دیگر، اغلب جرمی مقدماتی برای جرم اصلی است. اشاره شد که در بیشتر مواقع، تعقیب‌شونده سرانجام مورد خشونت‌دیدگی‌های شدیدی همچون آسیب‌های بدنی و

۱. بخش ۶۴۶.۹ قانون جزای کالیفرنیا مقرر می‌دارد: «عامداً و یا از روی آگاهی دیگری را تعقیب کند... از روی قصد دیگری را در موقعیت ترس از صدمه بدنی یا مرگ قرار دهد...».

حتی مرگ قرار می‌گیرد که نمونه مشهورش، به‌قتل‌رسیدن بازیگر مشهور آمریکایی، ریکا شفر، و تصویب قانون جزایی تعقیب مصرانه، متعاقب این رخداد جنایی بود. نظام عدالت کیفری ایران به‌دلیل عدم جرم‌انگاری مستقل و یکپارچه، با دو مشکل روبه‌رو است: نخست، عدم حمایت کیفری جامع از قربانیان تعقیب مصرانه و دوم، مؤثر نبودن پاسخ‌های کیفری پیش‌بینی‌شده.

واقعیت این است که در بیشتر مواقع، بزه‌دیده یا ادله اثباتی در دسترس ندارد و یا چنین امکانی در هنگام بزه‌دیدگی برای او متصور نیست و نیازمند مداخله فوری حمایتی و تأمین است. برای مثال، زنی که در محل زندگی، خیابان، مکان‌های عمومی، محل کار، دانشگاه، و غیره مدام توسط مردی تعقیب و پاییده شده و تحت نظر قرار می‌گیرد، در عمل چه راه‌حل قانونی برای خلاصی از این وضعیت آزردهنده دارد؟ حتی اگر او از پلیس کمک بخواهد، پاسخ مؤثری دریافت نخواهد کرد؛ زیرا احتمالاً نخستین پرسش مأمور پلیس این خواهد بود که صرف تعقیب‌کردن، جرم نیست و تا جرمی رخ ندهد، از نظر قانونی اجازه مداخله ندارد. پلیس به‌عنوان ضابط قانونی که امکان حضور و مداخله زود هنگام در جرائم مشهودی چون تعقیب مصرانه را دارد، با محدودیت‌های قانونی در اتخاذ تدابیر تأمین و پلیسی روبه‌رو است، مگر اینکه مقرر قانونی ویژه‌ای چنین امکانی برای او فراهم کند؛ مقرر قانونی‌ای که در شرایطی مشخص و پیش از اثبات جرم، اجازه اعمال اقداماتی را برای کنترل جرم و تأمین امنیت بزه‌دیده تجویز کند. اقداماتی مانند صدور دستور موقت مبنی بر عدم نزدیک‌شدن متهم به محل کار و زندگی بزه‌دیده که برخی از آن به اقدامات پیشگیرنده نام برده‌اند.

درواقع، در جرم تعقیب مصرانه نیاز به مداخله‌ها و تدبیرهایی پیش از وقوع جرم است تا شخص هدف، از خطر و آسیب احتمالی در امان بماند. بخشی از مجازات‌ها، کاملاً تنبیهی نیستند و برای نمونه، برخی از آن‌هایی که در قالب کیفرهای تکمیلی و تبعی در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده‌اند، ماهیتی تأمین و پیشگیرنده دارند (اسماعیلی، ۱۳۹۶: ۳۱۱). اولاً، اقدامات تأمین در نظام حقوقی ایران صرف‌نظر از هر قالبی که پیش‌بینی شده باشد، پس از اثبات جرم و قطعی شدن حکم اجراپذیر است. ثانیاً، به‌رغم اینکه کیفرهایی تکمیلی مانند اقامت اجباری در محل معین و منع از اقامت در محل یا محل‌های معین موضوع ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی می‌تواند به‌عنوان یک اقدام تأمین مورد استفاده قرارگیرد، ولی به نظر نمی‌رسد که این تدابیر درباره جرم تعقیب مصرانه دست‌کم به‌تنهایی پاسخگو باشند.^۱

۱. قانون اقدامات تأمین که نسخ صریح شد، در ماده ۱۴ ضمانت احتیاطی را پیش‌بینی کرده بود که به نظر مفید بود: «هرگاه شخصی که دیگری را تهدید به ارتکاب جرمی کرده، بیم آن رود که واقعاً مرتکب آن جرم گردد یا هرگاه شخصی که محکوم به مجازات

استفاده از ظرفیت‌های قانون آیین دادرسی کیفری نیز می‌تواند مفید باشد. باتوجه به بند «ت» ماده ۲۳۷ و نیز بند «پ» ماده ۲۳۸ این قانون، صدور قرار بازداشت متهم توسط مقام قضایی در مرحله پیش از محاکمه در دادسرا وجود دارد. در جرم ایجاد مزاحمت و آزار و اذیت بانوان و اطفال موضوع ماده ۶۱۹ قانون تعزیرات که یکی از مصادیق بزه تعقیب مصرانه است، باتوجه به بند «پ» ماده ۲۳۸ قانون فوق، جایی که آزادبودن متهم باعث ایجاد اختلال در نظم عمومی و یا موجب به‌خطرافتادن جان شاکی یا خانواده وی می‌شود، می‌توان قرار بازداشت موقت صادر نمود. در واقع، صدور قرار بازداشت موقت در چنین موردی برای محافظت از بزه‌دیده بوده و جنبه تأمینی و پیشگیرنده دارد.

به نظر می‌رسد مشکلات حقوقی که از نظر قانونی و عملی، دسترسی بزه‌دیدگان تعقیب مصرانه را به عدالت محدود می‌کند، استفاده از رویکردهای غیررسمی و ترمیمی را ضروری و حتی مؤثرتر می‌نماید. تعقیب مصرانه جرمی علیه تمامیت معنوی اشخاص است و بزه‌دیدگان آن بیشتر از نظر روحی و روانی آزار جدی می‌بینند که بیش از مجازات مرتکب، جبران زیان‌های واردشده اهمیت می‌یابد. برخی مطالعات انجام‌گرفته در زمینه خشونت‌های جنسی نشان می‌دهند که الگوهای ترمیمی، در معنای فراخ، با تمرکز بر نیازهای واقعی بزه‌دیده، فراهم‌آوردن امکان شنیده‌شدن بزه‌دیدگی، عدم سرزنش خشونت‌دیده، عدم الزام به روبه‌روشدن با فرد آزارگر، مسئول‌سازی و مسئولیت‌پذیری واقعی مرتکب، به‌گونه‌ای بهتر به نیازهای بزه‌دیدگان خشونت پاسخ می‌دهد (میرمجیدی، ۱۳۹۹).

در ایالات متحده آمریکا سازوکارهای ویژه‌ای همچون احکام حفاظت و محدودیت توسط دادگاه‌های مدنی برای حمایت از امنیت بدنی و روانی بزه‌دیده پیش‌بینی شده است (برجس و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۴۳-۴۴۴). از جمله اقداماتی که برای حفظ امنیت و آسایش بزه‌دیده می‌توان انجام داد، صدور احکام مختلفی در جهت محدودکردن بزهکار است. تعهدنامه^۱ برای عدم تهدید یکی از حمایت‌های قانونی‌ای است که از بزه‌دیده می‌شود. در آن طبق حکمی که توسط دادگاه صادر می‌گردد، بزهکار مجبور به پیروی از یکسری شرایط و محدودیت‌ها می‌شود تا بتوان با اعمال این محدودیت‌ها از آسیب‌های احتمالی‌ای که ممکن است از سوی بزهکار به بزه‌دیده یا خانواده او وارد آید، جلوگیری شود. با تشخیص دادگاه می‌توان حکم/دستور حفاظت^۲ نیز صادر نمود که در

جنایی یا جنحه گردیده، صریحاً نظرش را بر تکرار جرم اظهار نماید، دادگاه بنا بر تقاضای شخص تهدیدشده یا متضرر از جرم می‌تواند از او بخواهد تعهد کند مرتکب جرم نگردیده و وجه‌الضمانه مناسب برای این امر بدهد.

1. Peace bonds
2. Protection order

جهت حفاظت از بزه‌دیده در برابر خشونت در خانواده است. همین طور حکم محدودیت^۱، با هدف کم کردن ارتباط و تماس میان بزه‌دیده و بزهکار صادر می‌شود. این حکم نیز خود دارای ضوابطی است که ابتدا باید توسط دادگاه خانواده صادر شود و فقط در مورد همسر یا شریک جنسی امکان صدور دارد. البته در ایالات متحده آمریکا دو حکم اخیر، زیرمجموعه اقدامات مدنی به حساب می‌آید. این در حالی است که اگر بزهکار این احکام را زیر پا بگذارد، می‌توان با وی برخورد کیفری نمود (همان: ۴۵۱). صدور این‌گونه احکام همواره با ماهیتی تأمینیه همراه است؛ چراکه با این حکم می‌توان امنیت و آسایش بزه‌دیده را تأمین نمود. این احکام را در کشورهایایی مثل ایالات متحده آمریکا و انگلستان برای بزهکاران مزاحمت و متجاوزان می‌توان یافت.

برخی بزهکاران تعقیب مصرانه، اختلالات روانی‌ای مانند اختلال هذیان دارند که باتوجه به وضعیتی که دارند، نیازمند درمان و مراقبت هستند و صرف مجازات‌کردن آن‌ها باعث عدم تکرار بزه از سوی آن‌ها و همچنین اصلاحشان نمی‌شود و بهتر است که اکثر این نوع از بزهکاران تحت درمان قرار گیرند. در همین راستا در آمریکا نهادی با نام گروه سنجش پاسخ روانی (SMART)^۲ که بخشی از دپارتمان پلیس به حساب می‌آید، تشکیل شده است. این گروه که از یک متخصص بهداشت روان و یک مأمور اجرای قانون تشکیل شده است، مظلونانی را که علائم اختلالات روانی دارند، شناسایی کرده و در رابطه با اینکه بزهکار دارای اختلال روانی است و باید تحت مراقبت قرار بگیرد، اظهارنظر می‌کنند (Davis, Op.Cit: 343-345).

امروزه تکیه بیش از اندازه به مجازات و تصور اینکه بیم از مجازات باعث بازدارندگی می‌شود، چندان مؤثر و کارآمد نیست (اسماعیلی، پیشین: ۲۹۸). همواره برای کاهش جرائم، اتکا به تدابیر پیشگیرانه و صرف هزینه در این مسیر کارآمد بوده و دارای نتایج مثبت زیادی است. در رابطه با تعقیب مصرانه نیز تدابیر پیشگیرانه بیش از سایر تدابیر دارای اهمیت است. باید بین تدابیر و اقداماتی که فرد بزه‌دیده در رابطه با این بزه انجام می‌هد و اقداماتی که واحدهای اجرایی و قضایی انجام می‌دهند، تفاوت قائل شد. از جمله اقداماتی که واحدهای اجرایی و قضایی در رابطه با تعقیب مصرانه در ایالات متحده انجام داده‌اند، تشکیل واحد مدیریت تهدید (TMU)^۳ است. از عناصر اصلی این جرم، احراز تهدید است. از آنجایی که تعقیب مصرانه در آمریکا نیز جرمی نو محسوب می‌شد، بخش کوچکی از پلیس برای رسیدگی به شکایات مربوط به آن اختصاص یافت. نخستین بخشی که به کنترل و رسیدگی به این جرم پرداخت، واحد مدیریت تهدید نامیدند که این

1. Restraining order

2. System-Wide Mental Assessment Response Team

3. Threat management unit

واحد نتیجه نشست‌هایی بود که در سال ۱۹۹۰ در پی تعقیب مصرانه و کشته‌شدن بازیگر معروف (ریکا شیفر) تشکیل شدند. وظیفه اصلی این واحد شناسایی تهدیدهای جدی در سطح شهر است که البته تنها مربوط به تهدید موضوع تعقیب مصرانه نمی‌شود. از دیگر وظایف این واحد، آموزش به افراد، از جمله افسران پلیس و کارآگاهان و همچنین وکلای دادگستری و افرادی که با آرای عمومی به جایگاهی رسیده‌اند، مثل شهردار و سایر واحدها برای شناسایی تهدیدهای جدی است (Davis, Op.Cit: 338-342).

در گزارشی که در سال ۱۹۹۹ توسط دپارتمان عدالت ایالات متحده منتشر شد، بر نقش شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی و مدیران پشتیبانی و نصب خدمات اینترنتی در آموزش و تقویت افراد در مقابله با مزاحمت و تعقیب مصرانه در فضای مجازی تأکید شد (Ibid).

ممکن است در هنگام وقوع بزه رفتارهای مختلفی از بزه‌دیده سر بزنند که شاید برخی از آنها موجب بدتر شدن شرایط مربوط به بزه‌دیده شود. بنابراین، در رابطه با توصیه‌هایی که برای کاهش میزان پیامدهای زیان‌بار یک بزه به فرد بزه‌دیده می‌شود، باید جانب احتیاط را رعایت کرد. در همین مورد، تحقیقی در سال ۲۰۱۴ در ایالات متحده آمریکا در رابطه با راهکاری که بزه‌دیدگان مزاحمت و تعقیب مصرانه در مواجهه با این بزه انجام می‌دادند، صورت گرفت که نتایج آن در برخی موارد می‌تواند به بزه‌دیده کمک کند. برای مثال، در این تحقیق حدود ۴۷ درصد از بزه‌دیدگان راهکار حل مسئله را انتخاب کرده بودند و رویکردی انفعالی داشتند که شامل رودررو شدن با بزهکار، گزارش‌دادن بزه به پلیس، طلب کمک از افراد حرفه‌ای (کارآگاهان) یا معمولی و تغییر آدرس می‌شد. البته گروهی دیگر از راهکار عدم تماس با بزهکار و اصطلاحاً جاخالی‌دادن و دور شدن از مشکل استفاده می‌کردند که حدود ۳۰ درصد از بزه‌دیدگان را تشکیل می‌دادند. به‌عنوان مثال، مسیر بازگشت یا رفتن به منزل یا محل کار خود را تغییر می‌دادند. دسته آخر را بزه‌دیدگانی تشکیل می‌دادند که رویکردی منفعل نسبت به این بزه در پیش گرفتند و هیچ تغییر رفتاری برای پاسخ به این بزه انجام نمی‌دادند و عملاً راهکارشان بی‌توجهی به بزهکار بود که حدود ۲۳ درصد از بزه‌دیدگان را دربرداشتند (Podana & Imrikova, 2014: 801 & 802).

بنابراین، افراد در مواجهه با تعقیب مصرانه رفتارهای متفاوتی از خود بروز می‌دهند که برخی از آنها در آن شرایط مؤثر و درست است؛ مثل گزارش‌دادن به پلیس و برخی از آنها باعث بدتر شدن پیامدهای این بزه نسبت به بزه‌دیده می‌شود؛ مثل بی‌اعتنایی به بزهکار. شاید رایج‌ترین راهکار، درخواست کمک از افرادی باشد که بزه‌دیده به آنها نزدیک است. تغییر شماره‌تلفن ثابت یا همراه، استفاده از شماره‌تلفن‌های مختلف (شماره مخصوص کار و شماره مخصوص کارهای شخصی)، خودداری از در دسترس عموم قرارگرفتن اطلاعات شخصی و در صورت امکان تغییر محل کار، از دیگر راهکارهای موجود است (Maran et al., 2017: 2610).

بزه‌دیده باید این نکته را در نظر داشته باشد که نگهداری و حفظ پیام‌ها، ایمیل‌ها، هدایا، نامه‌ها و به‌طورکلی تمام چیزهایی که به بزه‌کار مربوط می‌شود، باعث می‌گردد روند تعقیب قانونی بزه‌کار با موفقیت بیشتری دنبال شود. همین طور در رابطه با بزه‌کارانی که در فضای اینترنت به تعقیب مصرانه می‌پردازند، اگر بزه‌دیده بتواند هویت فرد بزه‌کار را شناسایی کند، اغلب بزه‌کاران به‌صورت داوطلبانه به مزاحمت و تعقیب خود پایان می‌دهند؛ چراکه تمام قدرت آن‌ها به مخفی بودن هویتشان است (ادمز، ۱۳۹۰: ۳۸).

وجود برخی نهادها و گروه‌های حمایت‌کننده از بزه‌دیده نیز می‌تواند برای دریافت کمک و همچنین استفاده از توصیه‌های کارآمد بسیار مؤثر باشد؛ مشابه پایگاه اینترنتی توقف آزار و اذیت اینترنتی علیه زنان (WHOA) در ایالات متحده آمریکا که برای کمک به زنان در جهت کاهش خشونت و آزار علیه آنان ایجاد شده است (کی جیشانکار، پیشین: ۴۱۰ و ۴۱۱).

برای اثربخشی بخش مهمی از تدابیر پیشگیرانه در رابطه با انواع بزه‌دیدگی‌ها، همواره وجود آموزش بهنگام و مناسب به افراد جامعه در رابطه با بزه‌های گوناگون لازم است. برای نمونه، در رابطه با تعقیب مصرانه بسیاری از بزه‌دیدگان به علت عدم آگاهی نسبت به این جرم و اینکه چه نوع رفتاری تعقیب مصرانه محسوب می‌گردد، از انجام برخی اقداماتی که باعث محافظت از خودشان می‌شود و همچنین درخواست کمک از نهادها، محروم می‌مانند (Philips et al., 2004: 74).

نتیجه‌گیری

تعقیب مصرانه جرمی نسبتاً جدید است که به موازات تحولات اجتماعی، پیدایش یافته است. این جرم با مزاحمت پیوندی ناگسستنی دارد؛ به‌نحوی که به نظر می‌رسد تعقیب مصرانه خود نوعی مزاحمت است. بر همین پایه، گاه آنچه از تعقیب مصرانه منظور می‌شود، اعم از رفتار تعقیب و برخی از مزاحمت‌هایی است که با تعقیب و پاییدن همراه بوده یا با آن ارتباط دارد. کشورهایمانند ایالات متحده آمریکا دست به جرم‌انگاری مستقل زده و قوانین تعقیب مصرانه را با اتخاذ سیاست‌ها و تدابیر عمدتاً حمایتی از بزه‌دیدگان، تصویب کرده‌اند. درواقع، پس از تعقیب و کشته‌شدن یک فرد مشهور توسط تعقیب‌کننده‌اش، در ایالت‌های مختلف، قانون تعقیب یا مقابله با تعقیب مصرانه تصویب شد که در کنار کیفرگذاری و کیفردهی برای این رفتار، تدابیر افتراقی تأمینی و پیشگیرنده همچون صدور دستورهای تأمینی حفاظت و محدودیت را تجویز کرده است. اصولاً این جرم با درجه جنحه در نظر گرفته شده، ولی در قوانین برخی ایالت‌ها چنانچه با آسیب‌های بدنی به تعقیب‌شونده همراه شود، از گونه تعقیب مصرانه مشدد و جنایت محسوب می‌شود. همچنین، در برخی از قوانین جزایی تعقیب مصرانه جرمی با سوءنیت عام و در برخی

دیگر نیازمند سوءنیت خاص محسوب شده است. همچنانکه، از نظر نتیجه نیز معیار متفاوتی ارائه شده است؛ به گونه‌ای که اگر در قوانینی ترسیدن و هراس بزه‌دیده شرط است، در دیگر قوانین ترس و هراس یک انسان متعارف معیار است.

در حقوق کیفری ایران، چنین نبوده و تعقیب مصرانه محدود به مواد پراکنده و ناقصی است که پیامدهای ناشی از این وضعیت با شناخت هرچه بیشتر ماهیت و مصادیق این رفتار، آشکارتر می‌شود. در واقع، تنها برخی از مصادیق تعقیب مصرانه، مانند ماده ۶۱۹ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، پیش‌بینی شده است. در این زمینه، شاید مهم‌تر از جرم‌انگاری، پیش‌بینی تدابیر افتراقی‌ای است که ماهیتی تأمینی و پیشگیرنده از بزه‌دیدگی آماج این جرم داشته باشند. در بسیاری مواقع، بزه‌دیده فرصت یا امکانی برای اثبات جرم ندارد یا اساساً مرتکب به گونه‌ای رفتار نمی‌کند که از نظر قانونی، به‌ویژه براساس تفسیر کنشگران پلیسی و قضایی، وجهی برای تعقیب کیفری و انتساب اتهام پیدا شود. تصور وضعیتی که مرد یا زنی در محل زندگی فردی اتراق کند و او را بپاید سخت نیست، ولی آیا قوانین جزایی کنونی مداخله پلیس را اجازه می‌دهند؟ صرف‌نظر از اینکه در قوانین جزایی مواد انگشت‌شماری در این باره وجود دارد، همین‌ها از جمله ماده ۶۱۹ یادشده، تاب پوشش‌دادن به چنین رفتارهای آزارگرانه‌ای را ندارد. این ماده افزون‌بر اینکه از فضای مجازی غافل بوده، بر مبنای نگاه سنتی، بزه دیدگان را به زنان و بزه‌کاران را به مردان منحصر کرده که دور از واقعیت زندگی امروزی است. ساده‌انگاری ارزش امنیت و آسایش روانی، روا نیست. اگر در برابر رفتارهای آسیب‌زای بدنی سیاست مشخصی اتخاذ شده، در رابطه با رفتارهای آزارگرانه نیز افراد نیازمند حمایت‌های قانونی و جزایی‌اند. جرم‌انگاری تعقیب مصرانه در واقع به‌نوعی جرمی مانع و بازدارنده برای وقوع جرائم شدیدتری مانند آسیب‌های بدنی و جنسی است و تدابیر پیشگیرنده‌ای همچون دستورهای تأمینی، از ادامه خشونت‌دیدگی و آزاردیدگی قربانی پیشگیری خواهد کرد.

منابع

الف) فارسی

۱. آقاجانی، نصرالله (۱۳۸۲)، «تکثر خشونت در آزارهای خیابانی»، مطالعات راهبردی زنان، ش ۲۳، صص ۱۸۸-۱۶۰.
۲. ادمز، الیسون (۱۳۹۰)، «مزاحمت در فضای مجازی»، ترجمه روح‌الله چاوشی، اطلاعات حکمت و معرفت، ش ۴، صص ۳۹-۳۶.
۳. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۵)، حقوق جزای عمومی، ج ۱، چ ۵۰، تهران: میزان.
۴. اسماعیلی، محمد (۱۳۹۶)، پاییز و زمستان، «عدالت پیشگیرنده؛ مهار جرم در بستر نظام حقوقی»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ش ۹، صص ۲۹۷-۲۹۶.
۵. انگوتی، فرحناز (۱۳۹۵)، مزاحمت تلفنی، ج ۱، تهران: نیکان کتاب.

۶. باقری، نفیسه (۱۳۹۷)، تابستان، «سیاست کیفری ایران در رابطه با آزار جنسی، مقابله و پیشگیری»، قانون‌یار، ش ۶، صص ۴۳۳-۴۱۹.
۷. برجس، آن‌ولبرت؛ رگر، چریل؛ رابرتس، آلبرت (۱۳۹۵)، *بزه‌دیده‌شناسی؛ نظریه‌ها و کاربردها*، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، ج ۱، تهران: میزان.
۸. جیشانکار، کی (۱۳۹۴)، *جرم‌شناسی فضای مجازی؛ کشف جرائم اینترنتی و رفتار مجرمانه*، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، ج ۱، تهران: میزان.
۹. حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ علی‌پور، عادل (۱۳۹۱)، «تحلیل جرم ایجاد مزاحمت تلفنی»، پژوهشنامه حقوق کیفری، ش ۶، صص ۸۴-۶۱.
۱۰. حسینی، سیدمحمد؛ اعتمادی، امیر (۱۳۹۴)، پاییز و زمستان، «مزاحمت؛ تهاجمی علیه تمامیت روانی اشخاص، در نظام‌های کیفری ایران و انگلستان»، مجله حقوق تطبیقی، ش ۱۰۸، صص ۷۲-۴۹.
۱۱. حویزی، عبدالعلی (بی‌تا)، *نور الثقلین*، قم: مطبعه العلمیه.
۱۲. زراعت، عباس (۱۳۹۲)، *شرح قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)*، ج ۲، ج ۲، تهران: ققنوس.
۱۳. شایان مهر، علیرضا (۱۳۷۷). *دایره‌المعارف تطبیقی*، تهران: سازمان انتشارات کیهان.
۱۴. صالحی، سیدهادی؛ صالحی، سیدمهدی؛ نیکخواه سرنقی، رضا (۱۳۹۷)، بهار و تابستان، «بررسی فقهی حقوقی تجسس و موارد استثنائی آن»، مبانی فقهی حقوق اسلامی، ش ۲۱، صص ۹۸-۷۷.
۱۵. صبوری‌پور، مهدی (۱۳۹۰)، «حمایت کیفری از زنان و اطفال در برابر مزاحمت»، فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوقی، ش ۲۵، بهار ۱۳۹۰، صص ۱۹-۹.
۱۶. کردی، حسین؛ حسینی نوروزی، سیدعلی‌اصغر (۱۳۹۴)، «تجربه انواع آزار جنسی»، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، ش ۵۷، صص ۳۰-۷.
۱۷. لفیو، واین آر (۱۳۹۷)، *سببیت و قتل و صدمات بدنی در نظام کیفری ایالات متحده آمریکا*، ترجمه حسین آقایی‌نیا، ج ۴، تهران: میزان.
۱۸. ملاوردی، شهین (۱۳۸۵)، *کالبدشکافی خشونت علیه زنان*، تهران: حقوق‌دان دانش نگار.
۱۹. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۷)، *جرائم علیه اشخاص*، ج ۱، ج ۲۵، تهران: میزان.
۲۰. میرمجیدی، سپیده (۱۳۹۹)، «ارزیابی نتایج مداخله کیفری در پرونده‌های خشونت جنسی: بازتعریف عدالت برای بزه‌دیدگان خشونت جنسی»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹، صص ۲۵۷-۲۷۷.

ب) غیرفارسی

21. Carter, Tracey (2016), "Local, and federal response to stalking: Are anti- stalking laws effective?" *Mary J. Women*, Number 22, pp: 333-392
22. Chopin, F (2017), *Cybercriminalité*, Répertoire de droit pénal et de procédure pénale, Dalloz.
23. Choon, Heng and Sheridan, Lorraine (2017), "Is this stalking? Perceptions of stalking behavior among young male and female adults in hong kong and mainland china", *Journal of interpersonal violence*, pp: 1-25.
24. Davis, Joseph (2001), **Stalking crimes and victim protection: prevention, intervention, threat assessment and case management**, CRC press LLC.
25. Davis, Keith; Frieze, Hanson and Maiuro, Ronald (2002), **Stalking perspective on victims and perpetrators**, Springer publishing company.
26. Debra, Pinals (2007), **Stalking: Psychiatric perspectives and practical approaches**, Oxford university press.

27. Finch, Emily (2001), **The criminalization of stalking; constructing the problem and evaluation the solution**, Cavendish publishing limited.
28. Fraser, Cynthia; Olsen, Erica; Lee, Keofeng; Southworth, Cindy and Tucker, Sarah (2010), “The new age of stalking: technological implication for stalking”, juvenile and family court journal, Number 4, pp: 39-56.
29. Haydee Sainz, Ysmara (2018), **Public’s perception of stalking: victim-perpetrator relationship**, Master of arts in forensic psychology, California Baptist university.
30. Hirtenlehner, Helmut; Starzer, Barbara and Weber, Christoph (2012), “A differential phenomenology of stalking”, International review of victimology, Number 18, pp: 207-227.
31. Jenny, Korkodeilou (2020), **Victims of stalking: case studies in invisible harms**, Palgrave macmillan.
32. Jordan, Carol; Walker, Robert and Nigoff, Amy (2003), “Stalking an examination the criminal justice response”, journal of interpersonal violence, Number 2, pp: 148-165.
33. Katja, Ntholm. Helina; Sheridan, Lorraine and Roberts, Karl (2010), “The prevalence of stalking among finish university student”, journal interpersonal violence, Number 4, pp: 684-698.
34. Kinkade, Patrick; Burn, Ronald and Fuentes, Angel (2005), “Criminalizing attraction: Perceptions of stalking and the stalker”, Crime and delinquency, Number 1, pp: 3-25.
35. L.F. Lowenstein (2000), “The stalking phenomenon”, The police journal, Number 2, pp: 153-170.
36. Maran, Daniela; Veretto, Antonella; Zedda, Massimo and Francsini, Monica (2017), “Health care professionals as victims of stalking: Characteristics of the stalking campaign”, Consequences and Motivation in Italy, Journal of interpersonal violence, Number 17, pp: 2605-2625.
37. Meloy, Reid; Sheridan, Lorraine and Hoffmann, Jens (2008), **Stalking, threatening, and attacking public figures**, Oxford university.
38. Mullen, Paul and Pathe, Michele (2002), “Stalking”, Crime and just, Number 29, pp: 273-318.
39. Philips, Lorraine; Quirk, Ryan; Rosenfeld, Barry and Connor, Maureen (2004), “Is it stalking? Perception of stalking among college undergraduates”, Criminal justice and behavior, Number 1, pp: 73-96.
40. Podana, Zuzana and Imrikova, Romana (2014), “Victims’ responses to stalking: An examination of fear levels and coping strategies”, Journal of interpersonal violence, Number 5, pp: 792-809.
41. Oxford Advanced Dictionary (2005), Seventh edition, Oxford University Press.
42. Reyns, Badford and Englebrecht, Christine (2012), “The fear factor: exploring predictor of fear among stalking victim throughout the stalking encounter”, Crime and delinquency, Number 5, pp: 788-808.
43. Scheb, John M; Scheb, John M II (2011), **Criminal Law & Procedure**, Seventh edition, Wadsworth, Cengage Learning.
44. Schlesinger, Louis (2006), “Celebrity stalking, Homicide, and suicide”, International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology, Volum 50, Number 1, pp: 39-46.
45. Sheridan, Lorraine; Scott, Adrian and Campbell, Amy (2019), “Perceptions and Experiences of Intrusive Behavior and Stalking: Comparing LGBTIQ and Heterosexual Groups”, Journal of Interpersonal Violence, Number 7, pp: 1388-1409.
46. Siegel, Larry (2018), **Criminology; Theories, patterns and typologies**, Thirteenth Edition.
47. Wall, David (2001), **Crime and the internet**, first published, Routledge.
48. <https://leginfo.legislature.ca.gov>, Last visited: 20 January 2021.